

ملاحظات فقهی در باب روش‌های نوین زیبایی: تعادل میان احکام دینی و کرامت انسانی

زینب سنجولی^{*}

۱- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. (نویسنده مسئول)

zsanchooli@iau.ac.ir

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۳/۱۲/۲۹]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۳/۱۲/۱۸]

چکیده

یکی از مهم‌ترین ساحت‌های وجودی انسان، کرامت و ارزشمندی اوست؛ انسان دارای دو نوع کرامت ذاتی و اکتسابی است؛ آنچه می‌تواند زمینه سعادت و رستگاری او را فراهم کند، کرامت اکتسابی و ارزشی است که در پرتو ایمان و اعمال صالح به دست می‌آید. بی‌گمان برخورداری زنان از کرامت انسانی، بر مبانی و پایه‌های مهمی از جمله بُعد معنوی شخصیت زنان و نقش آنان در انسان‌سازی، ظرفیت تحصیل علم و دستیابی به کمالات انسانی، برخورداری از نیروی تعقل و اندیشه و هدف غایی در خلقت آنان استوار است. در این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده، این نتایج حاصل شده است که: اگرچه میل به زیبایی و تنوع طلبی، از جمله امیان فطری در وجود انسان است که در زنان به‌عنوان یکی از مظاهر زیبایی و جمال به‌هنگام خلقت قرار داده شده است؛ لیکن چنانچه از این میل در راه صحیح استفاده نشود و موجب توجه افراطی زنان به مصادیق آرایش‌های نوپدید و در نهایت تبرج و خودنمایی شود؛ از آنجایی که نتیجه‌ای جز ابتدال شخصیت زن، غفلت از فلسفه آفرینش و بازماندن از سیر تکامل اخلاقی و معنوی به دنبال ندارد، در منافات با کرامت و منزلت جایگاه زن قرار می‌گیرد که به حکم قاعده عقلی «دفع ضرر احتمالی واجب است»، باید ترک شود.

واژگان کلیدی: ملاحظات فقهی، زن، روش‌های نوین زیبایی، احکام دینی و کرامت انسانی.

۱- مقدمه

ازجمله مسائل مستحدثه در جوامع امروزی، رواج آرایش‌های نوپدید است؛ از آنجایی که انسان فطرتاً کمال‌جو است و به زیبایی‌ها توجه خاص دارد، این خصوصیات موجب شده است که فرهنگی به نام مُدگرایی در جامعه رواج یابد و با توجه به مجموعه‌های تبلیغاتی دشمن و ترویج فرهنگ غربی که لذت جویی، لذت گرایی و توجه به زیبایی را در اولویت و متن زندگی مردم قرار می‌دهد، شاهد ظهور آرایش‌های نوپدید در جامعه باشیم. حال، اگرچه بر اساس فطرت زیبایی دوستی که خداوند متعال در وجود ما قرار داده، به دنبال زیبایی بودن، اصلاً امری منفی نیست؛ ولی متأسفانه امروزه ما این مسیر را به اشتباه طی کردیم و در ارضای میل زیبادوستی، به‌طور افراطی به آرایش‌های نوپدید روی آورده‌ایم. فردی که به کاشت ناخن یا مژه و ... روی می‌آورد، باید بداند هر ۱۰ یا ۱۵ روز یک‌بار، نیاز به ترمیم دارد؛ بنابراین، این نوع آرایش‌ها، مانع از پرداختن ما به وظایف اصلی‌مان در خانواده و جامعه می‌گردد و نهایتاً «ابتدال زن» و «سقوط شخصیت او» را به دنبال دارد (رشیدی، ۱۳۸۵). نکته‌ای که حائز اهمیت است، این است که: زیبایی، فقط اختصاص به زیبایی ظاهری ندارد؛ بلکه شامل زیبایی باطنی هم می‌شود و این آرایش‌هایی که در جامعه تعریف شده، زیبایی به معنای واقعی را به ما نمی‌دهد. علت نیاز انسان به زیبایی باطنی علاوه بر زیبایی ظاهری، این است که: او فقط برای این دنیا آفریده نشده است و بعد از چند صبحی زندگی در این عالم، به عالم دیگر می‌رود. حضور ما در آن دنیا، صورت باطنی ماست و چیزهایی که موجب زیبایی صورت باطنی ما در آن دنیا می‌شود، قدم گذاشتن در مسیر تقوا و کمال است. به همین دلیل است که در آموزه‌های دینی، تأکید بسیاری بر کرامت انسانی^۱ شده که بیانگر ارزشمندی و والایی ذات انسان و برتری او نسبت به موجودات دیگر است. حال سؤال اصلی تحقیق این است که: مبانی کرامت و منزلت زن از دیدگاه اسلام چیست و چرا روی آوردن به آرایش‌های نوپدید، در تنافی با کرامت زن قرار می‌گیرد؟

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

در پیشینه تحقیق باید گفت: در خصوص کرامت انسانی، مقالات متعددی انجام شده، ازجمله: یاسین توکلی (۱۳۹۶)؛ مقاله «طراحی و تبیین الگوی مفهومی مبانی کرامت انسانی از منظر آموزه‌های دینی با تأکید بر فرهنگ رضوی»، در این تحقیق به این نتایج دست یافته است که: مبانی کرامت اسلام از لحاظ نظری به سه بخش «مبانی اعتقادی»، «مبانی معرفتی» و «مبانی ارزشی» قابل تقسیم است؛ که در بخش مبانی اعتقادی از مضامینی همچون «خلیفه‌اللهی، حامل اسماء الهی، امانت‌داری الهی، روح الهی، هدایت الهی، اشرف مخلوقات و عبدالهی» و در بخش مبانی معرفتی از مضامینی همچون «عقلانیت، کسب دانش، فهم و درک» و در بخش مبانی ارزشی از مضامینی همچون «تقوا، عدالت، آزادی، رعایت حقوق، عزتمندی، صبر و استقامت، احسان، احترام، محبت، گذشت و ایثار، صداقت و دوستی» سخن به میان می‌آید. اکبر عروتنی موفق (۱۳۹۶)؛ مقاله «مبانی کرامت انسان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، در این تحقیق به این نتایج دست یافته است که: کرامت انسانی - که از مسائل مهم و اساسی انسان‌شناسی اسلامی است، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است و واضعین قانون اساسی با توجه به اصول بنیادین انسان‌شناسی اسلامی همچون خلیفه‌الله بودن انسان، کرامت ذاتی و آزادی او، با عنایت به اعتقادات دینی و مذهبی او، به تدوین قانون اساسی همت گماشته‌اند.

۱- اگر بخواهیم «اصل کرامت انسانی» را به عنوان قاعده فقهی عنوان نماییم، لاجرم باید آن را قاعده‌ای اصطیادی بدانیم؛ چه اینکه گزاره خاصی که به دلالت مطابقی، کرامت انسانی را اقامه کند در میان ادله لفظی دیده نشده آن است که به عنوان یک قاعده فقهی اصطیادی، جداگانه مطرح شود. در این صورت این قاعده بسیار شمول دارد و در ابواب مختلف فقه قابل جریان خواهد بود.

سید ابوالقاسم نقیسی (۱۳۹۲)؛ مقاله «مؤلفه‌های کرامت انسان از منظر قرآن کریم»، در این تحقیق به این نتایج دست یافته است که: در انسان‌شناسی اسلامی، انسان دارای خلقت احسن، اختیار، علم، عقل، فطرت و غایت آفریده‌ها، تجلّی بخش همه صفات و اسماء الهی و خلیفه خداوند بر روی زمین است؛ لذا از کرامت ذاتی برخوردار است. کرامت انسان از جمله مقاصد و ملاک‌های شارع در وضع احکام و نظامات شرعی است، لذا احکام و مقرراتی که به حکم قطعی عقل با این مقصد مغایرت داشته باشد، نمی‌تواند حکم شرعی به شمار آید.

حسین حقیقت‌پور (۱۳۹۲)؛ مقاله «پژوهشی پیرامون مبانی حق کرامت انسان در منابع احکام»، در این تحقیق به این نتایج دست یافته است که: انسان از آن جهت که انسان است از حق کرامت برخوردار است. آیات، روایات، قاعده لاضرر، دلیل عقل و اصل عملی پشتوانه‌های این مدعا هستند. لکن کرامت انسان، به هیچ‌وجه ذاتی و یا از لوازم ذات- به معنای غیر قابل انفکاک- نیست؛ بلکه ممکن است به‌طور جزئی یا کلی زایل گردد؛ برخی از عناوین به‌طور کلی و برخی به‌طور جزئی، این حق را از انسان سلب می‌کنند. فتانه درتاج و محمد محمدرضایی (۱۳۸۵)؛ مقاله «مبانی کرامت انسان از دیدگاه ملاصدرا»، در این تحقیق به این نتایج دست یافته است که: انسان در حکمت متعالیه، صاحب کرامت ذاتی و اکتسابی است که هرکدام مسئولیت‌ها و حقوقی دارند. کرامت انسان یک حقیقت وجودی است که پشتوانه فطری در انسان دارد و امری ذو مراتب و تشکیکی است و هر موجودی به میزان مرتبه وجودی خویش کریم است و این سلسله تا خدای کریم ادامه دارد. کرامت ذاتی و اکتسابی دو مرتبه کرامت انسان هستند که برای هر فردی متصور است؛ لکن اولی افاضه فطری الهی و دومی تفضّل او جلّ جلاله است که با تلاش انسان حاصل می‌شود.

حال جنبه نوآوری مقاله حاضر با مقالات پیشین آن است که: در هیچ‌کدام از پژوهش‌های گذشته، مسئله منافات داشتن آرایش‌های نوپدید با مسئله کرامت زن بررسی نشده است. لذا در این پژوهش کوشیده‌ایم با در نظر گرفتن جایگاه ارزشی زنان در فلسفه آفرینش، منافات داشتن روی آوردن به آرایش‌های نوپدید را با مسئله کرامت و منزلت زن تبیین کنیم؛ پس‌ازاین جهت مقاله بدیع و دارای نوآوری است.

۳- روش‌شناسی

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای، به بررسی این موضوع پرداخته است. این مطالعه تلاش دارد تا با تحلیل منابع فقهی و دیدگاه‌های دینی، چارچوبی برای ایجاد تعادل میان رعایت احکام شرعی و احترام به کرامت انسانی ارائه دهد. نوآوری این تحقیق در این است که برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً بر جنبه‌های پزشکی یا اجتماعی متمرکز بوده‌اند، این بار ملاحظات فقهی را در کنار ارزش‌های انسانی مورد توجه قرار داده و به تبیین نسبت میان این دو پرداخته است.

۴- یافته‌ها

۴-۱- مفهوم آرایش‌های نوظهور

آرایش، به معنای زینت و زینت، به معنای زیور و آرایش ظاهری، (سیاح، ۱۳۷۸؛ حسینی دشتی، ۱۳۶۹) و هر چیزی است که انسان به‌واسطه آن، خود را مزین کند (طریحی، ۱۳۷۵). لذا، مراد از آرایش‌های نوظهور، زینت‌های جدید و تازه پیدا شده‌ای است که موجب زیبایی بخشی می‌شود و کاشت مژه و ناخن، عمل‌های زیبایی و لاغری، تاتو و ... از مصادیق آن به شمار می‌رود (تفتی، ۱۴۰۲). روی آوردن به آرایش‌های نوپدید، دو اثر به دنبال دارد:

۴-۱-۱- تبرّج

تبرّج در لغت، به معنای آشکار ساختن زینت و زیبایی برای مردان بیگانه است (ابن اثیر، ۱۳۶۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۵). از دیگر معانی تبرّج، «تبختّر و تکبّر» و آنچه که شهوت مرد را فرا می‌خواند، است (شیخ طوسی، ۱۴۰۹؛ طبرسی، ۱۴۱۵؛ طبرسی، ۱۴۱۸). افزون بر

تبرّج در برابر مردان نامحرم، در روایات از تَبَدُّل نیز نهی شده و آن، به معنای اظهار رغبت و شوق زن در برابر مردان است - آن‌گونه که مردان ابراز می‌کنند - و دستور حفظ نفس، به هنگام رغبت داده شده است (شیخ صدوق، ۱۴۰۴).

۴-۱-۲- تَلَذُّذ و رِیْبِه

ریشه لغوی رِیْبِه، رِیْب به معنای شک و تهمت است (ابن منظور، ۱۴۰۵؛ الجوهری، ۱۴۰۷) و در اصطلاح، منظور از رِیْبِه، ترس از به گناه افتادن و حرام است و مراد از «تَلَذُّذ»، لذّت جنسی است (مطهری، ۱۳۷۲). این امر واضح و مبرهن است که هر جا تبرّج و خودنمایی از سوی زنان واقع شود، تَلَذُّذ مردان را نیز به دنبال خواهد داشت.

۴-۱-۳- منظور از کرامت

کرامت در لغت، به معنای شرافت نفسانی یا اخلاقی، (ابن فارس، ۱۴۰۴؛ فراهیدی، ۱۴۱۰). بزرگواری و عظمت معنوی است که در مقابل لثام و پستی نفس بکار می‌رود (جوهری، ۱۴۰۷؛ جوادی آملی، ۱۳۶۶) و کریم، کسی است که خود را از آلودگی به هر چیزی که مخالفت و عصیان خداوند را به دنبال دارد، منزّه و پاک می‌گرداند (ابن اثیر، ۱۳۶۴).

۴-۲- اقسام کرامت

کرامت از منظر ذاتی یا اکتسابی بودن بر دو قسم است:

کرامت ذاتی: کرامت ذاتی و خدادادی، کرامتی است که در آفرینش همه انسان‌ها وجود دارد و خداوند متعال، در آیات متعدّدی در قرآن، به آن اشاره کرده است. از جمله «آیه ۴ سوره تین»^۱ و «آیه ۷۰ سوره أسراء»^۲. این کرامت برای تمام انسان‌ها، به صرف انسان بودن و فارغ از هر دینی و آیینی وجود دارد و تا زمانی که انسان، از مسیر حق منحرف نشده، از این کرامت انسانی برخوردار خواهد بود (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۰).

کرامت اکتسابی: کرامتی است که مبتنی بر آموزه‌های دینی و در سایه مجاهدت و تلاش به دست می‌آید؛ در واقع، کرامت ارزشی، کرامتی است که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است و ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است (جعفری، ۱۳۷۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۲).

۴-۲- شناخت جایگاه زن در سایر ادیان آسمانی و در اسلام

هم در دین اسلام و هم در سایر ادیان الهی، توجه ویژه‌ای به جایگاه ارزشی زنان شده است:

جایگاه زن در سایر ادیان آسمانی: در ادیان آسمانی، توصیه به عفاف و آزرَم فراوان به چشم می‌خورد. کتاب مقدس، بارها و بارها، این حقیقت را به زنان گوشزد می‌کند. در رساله بولس در عهد جدید، پس از سفارش مردان به دعا و مناجات آمده است: «و همچنین زنان، خویشان را بیاریند به لباس مزین به حیا و پرهیز، نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران‌بها؛ بلکه چنان‌که زنانی را می‌شاید که دعوای دین‌داری می‌کنند به اعمال صالحه» (عهد جدید، ۱۳۹۴). همچنین، در رساله اول پطرس آمده است: «بر زنان است که در آرایش‌های بیرونی برای نشان دادن زیبایی، از قبیل رنگ کردن مو، استفاده از زیورآلات، به تن کردن لباس گران‌بها دل نبندند؛ بلکه بر آرایش‌های درونی تکیه کنند که فانی نشود و نزد خداوند گران‌بهاست» (الکتاب المقدس، ۱۹۹۴). گاندی، نیز خطاب به زنان گفته است: «زیور راستین زن، شخصیت اوست، صفای اوست؛ سنگ و فلز، زیور حقیقی نیست. زیور حقیقی، در صفای دل و زیبا ساختن روح است؛ نه در بار کردن تن از سنگ‌ها و فلزات» (رولان، ۱۳۹۶).

۱- «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ».

۲- «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ».

جایگاه زن در اسلام: در میان فرازهای تاریخ، دین مبین اسلام و رسول خاتم 0 شرایطی را رقم زدند که در آن، جایگاه و منزلت واقعی زن و پرورش زنانی اسوه و الگو، صد چندان شد. مقایسه وضعیت زنان پیش از اسلام و پس از اسلام، بهترین گواه بر این مطلب است (گری، ۱۳۷۸). اهم اقدامات اسلام را، در تکریم شخصیت زنان، می‌توان در موارد ذیل دسته‌بندی کرد:

- **همتا دانستن زن و مرد:** در شرایطی که در فرهنگ جاهلیت، خبر تولد دختر، همراه با سرشکستگی و خشم پدر بود^۱ و در زمانه‌ای که دختر عصر جاهلیت، در انتخاب همسر اختیاری نداشت و از مهریه، نصیبی نمی‌گرفت و پس از مرگ شوهر، در کنار اموال او به ارث برده می‌شد؛ (سبحانی، ۱۳۵۴). پیامبر اکرم 0، به چند اقدام مهم دست زد که یکی از آن‌ها، همتا دانستن زن و مرد بود. برابر دانستن زن و مرد در انسانیت و دستیابی به قله‌های کمال معنوی، از اصول نگرشی اسلام است (نحل، ۹۷؛ نساء، ۱۲۴؛ غافر، ۴۰؛ آل عمران، ۱۹۵). قرآن کریم، در آیاتی از سوره‌های روم، آل عمران و نساء، صراحتاً بیان می‌کند که زن و مرد، دارای یک سرشت و طینت می‌باشند. معرفی همسر فرعون و مریم B، به‌عنوان ضرب‌المثل و الگویی برای زن و مرد مؤمن، به این معناست که در فرهنگ اسلامی، زن نیز می‌تواند چراغی فرا راه مردان باشد. اوج شخصیت انسانی زن در نگاه اسلامی، آنگاه نمایان می‌شود که حضرت مهدی B به‌عنوان منجی عالم بشریت، یک زن را مقتدای خویش قرار می‌دهند و می‌فرمایند: «دختر پیامبر خدا، فاطمه زهرا B، برای من الگویی نیکوست» (مجلسی، ۱۳۷۴).

- **توجه به ارزشمندی زنان و تکریم آنان:** پیامبر 0، ضمن توجه دادن به جایگاه ویژه دختران در زندگی، از آنان، به‌عنوان مونس، اهل مدارا و نیکی، با خیر و برکت، اهل پاکیزگی و سبب طراوت زندگی یاد کرده و با سنت سنگدلانه دخترکشی در میان عرب جاهلی به مبارزه برمی‌خیزد (سبحانی، ۱۳۵۴). سخنان گهربار پیامبر اکرم 0، در توصیف و تجلیل از بانوانی چون خدیجه کبری B، آسیه B، مریم B و به‌ویژه فاطمه B که رضایت و خشم خداوند را به رضایت و خشم فاطمه پیوند می‌دهد، (علامه امینی، ۱۳۶۳) برگ دیگری از صفحات درخشان ارزشمندی و منزلت زن در اسلام است. اینکه قرآن کریم، مریم B را زنی کامل، دارای عصمت و هم‌سخن با فرشتگان دانسته است، نشان از آن دارد که زن می‌تواند تمام حجاب‌ها را درنوردد و به قله کمالات برسد.
- **پرورش و تربیت زنان شایسته در پرتو هویت بخشی:** یکی از راه‌های شناخت هر مکتبی، بررسی آثار ناشی از برنامه‌های آن مکتب، خصوصاً کسانی است که بر اساس آموزه‌های آن مکتب، پرورش یافته‌اند. خدیجه B، فاطمه B، زینب کبری B و ...، نمونه‌هایی از زنانی هستند که تحت آموزه‌های غنی و هویت بخش اسلام، به‌عنوان الگوی جامعه بشری درخشیدند. دین خاتم، پس از بیان وجوه تمایز زن مؤمن از غیر مؤمن، مرزهای اخلاقی، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و ... را به‌گونه‌ای ترسیم می‌کند که فرد از حضور در آن مرزها، احساس افتخار نماید؛ اعتمادبه‌نفس ناشی از این احساس افتخار، ارزشمندی زن مسلمان را رقم می‌زند (معین الاسلام و غلامی، ۱۳۸۸).

- **توجه به کرامت و منزلت زن در اسلام:** اسلام، بزرگ‌ترین خدمات‌ها را به جنس زن انجام داده؛ نه‌تنها در سلب اختیارداری مطلق پدران نسبت به دختران؛ بلکه اعطای حریت، شخصیت، استقلال فکر به او. از نظر اسلام، هرگز در این مسئله تردیدی وجود ندارد که زن و مرد، هم در اصل شرافت و هویت انسانی و هم در برخورداری از حقوق انسانی برابرند. نه اسلام، دین مردان است و نه زن در نگرش اسلامی، انسان ناقص است. ریشه تفاوت‌های حقوقی زن و مرد در اسلام، توجه به ساختار وجودی هر یک از زن و مرد و هدف آفرینش است نه نتیجه نگاه تحقیرآمیز جاهلیت عرب و غرب به زن. خداوند، در آیات متعددی از قرآن، با کمال صراحت می‌فرماید که: زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریدیم. قرآن در طرح داستان آدم و حوا، برای مبارزه با اندیشه رایج آن عصر که جنس زن را عامل گناه و وسوسه معرفی می‌کرد، می‌گوید: شیطان، هر

۱- «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» (نحل، ۵۸ و ۵۹) ترجمه: و هر گاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند چهره اش سیاه می‌گردد در حالی که خشم [و اندوه] خود را فرو می‌خورد.

دوی آن‌ها را وسوسه کرد و فریفت. طیّ مقامات معنوی و رسیدن به اجر اخروی و قرب الهی، به جنسیت مربوط نیست؛ به ایمان و عمل صالح مربوط است (حسینی، ۱۳۹۳).

- **توجه به کمالات انسانی زنان:** تکامل انسانی زنان، در دو عرصه دانش و سلوک معنوی قابل بررسی و مطالعه است. در حقیقت، حیات آدمی در دو گستره مادی و معنوی، قابلیت رشد و تکامل دارد. کسب دانش و معرفت، پرورش خصلت‌های اخلاقی و انسانی، از دایره کمالات معنوی است؛ همان‌گونه که برخورداری از رفاه، سلامت جسمانی و پرورش اعضای بدن، از گستره مادی است (مهریزی، ۱۳۸۶). قرآن کریم، راه سلوک معنوی را در برابر زنان چنان گشود که از مریم و همسر فرعون به‌عنوان دو مَثَل و الگو برای همه مؤمنان یاد کرده و می‌فرماید: «این دو زن «آسیه و مریم»، در ایمان و قرب به خداوند، به مراتبی بلند دست یافتند- باآنکه یکی پدر نداشت و دیگری، شوهری بدطینت و مدعی ربوبیت بر سر داشت؛ و نیز، بالاترین ستایش‌های معنوی در قرآن کریم، از مریم به عمل آمده است و با واژه‌هایی بلند^۲ ستوده شده؛ و هم او بارها مورد خطاب و سخن فرشتگان الهی قرار می‌گیرد و فرشتگان با وی تکلم می‌کنند^۳.

برخی برآنند که زنان در سلوک معنوی، بیش از مردان آمادگی دارند؛ زیرا:

- ۱- مسافت سیر زنان، کوتاه‌تر از مردان است.
- ۲- زنان، سبک‌تر از مردانند؛ چراکه علایق آنان، از مردان کمتر است و می‌توانند همان مسافت کم را با سرعت بیشتر بپیمایند.
- ۳- موانع سلوک مردان، بیش از زنان است و به دشواری می‌توانند خود را خلاص کنند (مهریزی، ۱۳۸۶). برخی شواهد تاریخی نیز، بر این نظریه اقامه شده است. ازجمله اینکه: زُهری درباره زنان گفته است: «هیچ زنی، پس از ایمان، مرتد نشد و از ایمان خود دست نکشید» (ابوشقه، ۱۴۲۰)؛ و نیز، ذهبی گفته است: «دروغ‌گویی زنی در نقل حدیث، به ثبت نرسیده است» (ابوشقه، ۱۴۲۰). خودش، در میزان الاعتدال، چهار هزار مرد، در نقل حدیث را معرفی کرده و می‌گوید: «زنی را که متهم به کذب باشد، در نقل حدیث نمی‌شناسد» (درنیه، ۱۴۱۰). محی‌الدین عربی، مقامات عرفانی را مختص مردان ندانسته و بلکه زنان را نیز در آن شریک می‌داند و می‌گوید: «مقامات عرفانی، ویژه مردان نیست؛ بلکه زنان نیز در آن سهم دارند» (قیصری، ۱۴۰۰). حقیقت مطلب آن است که در سلوک معنوی، نقصی در زنان نیست. وقتی از عارفی پرسیده‌اند: «ابدال^۴ چند نفرند؟ گفت: ابدال، چهل تن هستند. از او پرسیدند چرا نگفتی: چهل مرد؟ گفت: اولاً- همه این بزرگان، مرد نیستند؛ بلکه در میان آن‌ها، زن هم هست. ثانیاً- کسی که به مقام ابدال رسید، انسان است و انسان، اختصاصی به زن یا مرد ندارد (حقی، ۱۴۱۴).

۴-۳- مبانی کرامت زن از دیدگاه اسلام

ازجمله مفاهیم اساسی و بنیادین در قرآن کریم، مسئله کرامت انسان است. در اندیشه دینی، انسان از آن روی که انسان است از کرامت برخوردار است؛ ولی برای آنکه همه استعدادهای خود را به فعلیت برساند، نیازمند عنصر ایمان است. ایمان، عامل باروری کرامت انسانی در وجود اوست. بر همین اساس، انسان دارای دو بُعد از کرامت است: کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی. کرامت ذاتی، مربوط به انسانیت انسان و حقیقت او و کرامت اکتسابی، مربوط به عمل اوست. تحصیل مراتب کرامت اکتسابی نیز، با صفات کمالی وجودی

۱- «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ...» (تحریم، ۱۱ و ۱۲)

۲- «اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ» (آل عمران، ۴۲)

۳- «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ» (آل عمران، ۴۲)

۴- ابدال، گروهی از مردم صالح و نیکوکاراند که هرگز زمین از وجودشان خالی نمی‌شود؛ هر یک از آنها که بمیرد، خداوند شخص دیگری را جایش قرار می‌دهد.

مانند علم و معرفت، ایمان، تقوا و تعقل و کمال خواهی میسر است (رجبی، ۱۳۷۹). تفاوت انسان‌ها در برخورداری از کرامت اکتسابی، به میزان قرب آن‌ها به خداوند بستگی دارد که از طریق طاعت حاصل می‌شود و میان انسان‌ها، به میزان قابل توجهی فاصله ایجاد می‌کند. گروهی اوج می‌گیرند و چنان مورد تکریم واقع می‌شوند که مصداق «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ» (نجم، ۹) می‌شوند و خداوند برای آن‌ها اجر کریم در نظر می‌گیرد؛ در مقابل، گروهی با پشت کردن به کرامت و منزلت خود مصداق «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (اعراف، ۱۷۹) می‌شوند. پس کرامت اکتسابی حدی ندارد؛ زیرا تقوا که اساس کرامت است، محدود نیست (موسوی خمینی، ۱۳۶۸). حال، ملاک ارزشمندی زنان، به کرامت ذاتی و اکتسابی آن‌هاست که از جمله این کرامات، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۴-۳-۱- بُعد معنوی شخصیت زنان و نقش آنان در انسان‌سازی

امام خمینی، از شخصیت‌های بزرگی است که در ترسیم و تثبیت بُعد معنوی شخصیت زنان در دوران معاصر، سهم بسزایی دارد. ایشان می‌فرماید: قرآن کریم، انسان‌ساز است و زن‌ها نیز انسان‌ساز. وظیفه زن‌ها، انسان‌سازی است. اگر زن‌های انسان‌ساز، از ملت‌ها گرفته بشود، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد، شکست خواهند خورد، منحل خواهند شد. ایشان، درباره شأن مادری و مسئولیت تربیتی زنان می‌فرماید: «زن، مظهر تحقق آمال بشر است. زن، پرورش‌دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن، مرد به معراج می‌رود و دامن زن، محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ‌مردان است». همچنین، ایشان درباره نقش مادر در خانواده در تربیت نونهالان می‌فرماید: «اساساً تربیت، از دامن پاک مادر و جوار پدر شروع می‌شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان، استقلال، آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه‌ریزی می‌شود» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸).

حال، در تبیین این ملاک بر اساس کرامت انسانی باید گفت: زن، از کرامت و فضیلت و ارزش ذاتی برخوردار است و این کرامت، در مقام انسانیت اوست؛ لذا، شایسته نیست که زنان، با غفلت از کرامت و ارزش ذاتی خود، تمام هم و غم خود را مصروف مسائل کم‌اهمیت دنیوی و آراستن و زیبایی ظاهری خود کنند و از زیبایی باطن باز بمانند؛ به‌طوری‌که صورت‌گرایی، جای باطن‌گرایی و سیرت‌گرایی را بگیرد. بدیهی است که روی آوردن زنان به آرایش‌های نوپدید به‌صورت افراطی، مانع از پرداختن آنان به وظایف اصلی خود در خانواده و جامعه می‌گردد و سقوط شخصیت و ابتدال آنان را به دنبال دارد که در منافات با کرامت و منزلت زن قرار می‌گیرد.

۴-۳-۲- ظرفیت تحصیل علم

یکی از اسباب تحصیل کرامت اکتسابی، برخورداری از علم و معرفت است. در هر جامعه‌ای که ارزش علم دانسته شود، عالم از کرامت و منزلتی بی‌بدیل برخوردار است؛ در واقع، حقیقت انسان، علم است و شأن و کرامت او به میزانی است که می‌داند و می‌اندیشد (دینانی، ۱۳۸۳). حتی در منابع تفسیری، دلیل تکریم انسان در قرآن، نعمت دانایی و تفکر معرفی شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷). بدیهی است زنان همپای مردان، می‌توانند به تحصیل علم بپردازند و به مدارج بالای علمی دست یابند.

حال، در تبیین این ملاک بر اساس کرامت انسانی باید گفت: آدمی می‌خواهد در جامعه، جایگاه ویژه‌ای داشته باشد که چنین جایگاهی، به‌صورت حقیقی با کسب دانش و فضایل اخلاقی به دست می‌آید؛ هر اندازه در جامعه، زن متین‌تر و باوقارتر و عفیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، بر احترام و منزلتش افزوده می‌شود (مطهری، ۱۳۵۳) و میزان ارزش او، با معیار علم و دانایی سنجیده می‌شود و بیش‌تر مورد احترام و تکریم خواهد بود.

۴-۳-۳- ظرفیت دستیابی به کمالات انسانی

در جهان‌بینی اسلامی، انسان نیکوترین آفریده خدا و برخوردار از شرافت و کرامت ذاتی است و استعداد وصول به کمال مطلق - ذات اقدس الهی - را دارد. حال، اگرچه ظرفیت دستیابی به کمالات در وجود همه مخلوقات به ودیعت گذاشته شده است لیکن تمام موجودات اعم از جماد و نبات و حیوان و فرشته و شیطان، دارای مرتبه‌ای از وجود هستند که این مرتبه در آن‌ها ثابت است؛ اما انسان در کمالاتی که به دست می‌آورد، حدّ توقف و انتهایی ندارد. او می‌تواند به مرتبه فنای فی الله و بقای بالله نائل شود (نصری، ۱۳۷۶). همه انسان‌ها، قوه و استعداد مظهریت تمام اسماء و صفات خداوندی را دارند؛ اما برخی از انسان‌ها، این استعداد را به فعلیت

می‌رسانند؛ و هر انسانی به اندازه‌ای که این استعدادها را به فعلیت برساند، از درجه‌ای از کرامت برخوردار خواهد بود (ملاصدرا، ۱۳۸۱).

حال، در تبیین این ملاک بر اساس کرامت انسانی باید گفت: اسلام، زن را موجودی می‌داند که سه ویژگی مهم دارد: اختیار، مسئولیت‌پذیری و توان ارتقاء و کمال را داراست؛ و آیاتی که در قرآن آمده، نشان‌دهنده این است که خداوند، زن را مانند مرد و بدون نقصی که او را از مرد کمتر نشان دهد، آفریده و خداوند، زن و مرد را مساوی و تنها ملاک برتری آن‌ها را تقوی می‌داند. در بسیاری از آیات، وقتی خطاب به انسان می‌گوید: منظور، دقیقاً هم زن است و هم مرد. قرآن می‌فرماید: «آن روز که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیشاپیششان و به جانب راستشان دوان است...»^۱ و باز هم در قرآن مجید زنانی بوده‌اند که مستقیم مورد وحی الهی قرار گرفته‌اند: «و باز خدا برای مؤمنان، (آسیه) زن فرعون را مثل آورد...»^۲ «و یاد آر حال مریم دخت عمران را که رَحْمَش را پاکیزه داشت...»^۳ و یا بانوی بزرگ دو عالم که حضرت محمد «ص»، او را «سیده النساء العالمین» نامید و فرمود: «یا فاطمه، خدا با غضب تو غضب می‌کند و با رضای تو راضی می‌شود.» و صدها روایت از این دست که در مورد کرامت زنانی همچون فاطمه B و دیگر زنان و ارزشی که خدا برای زن قائل شده است، است و چه کرامت و منزلتی بالاتر از این.

سرّ تجلیل قرآن از زنان قدّیسه و پارسا مانند حضرت زهرا B، حضرت مریم B و حضرت ساره همین است. خدای متعال، از حضرت زهرا B در قرآن، به کوثر یعنی خیر وسیع یاد می‌کند؛ چنان‌که در تجلیل از حضرت مریم به گونه‌ای تعبیر می‌کند که از آن استفاده می‌شود که با وجود عدم بعثت ایشان به پیامبری، از بسیاری پیامبران عالی‌مقام‌تر بود (حسینی، ۱۳۹۳).

۴-۴- خردورزی و فرزاتگی

یکی از مهم‌ترین مبانی کرامت انسان، تعقل و خردورزی است (ملاصدرا، ۱۳۶۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷). خداوند متعال، با اعطای عقل به آدمی، آفرینش وجودی او را ارتقاء بخشید و او را مورد تکریم قرار داد؛ زیرا وی در سایه بهره‌گیری از عقل، می‌تواند بیندیشد و به فلسفه وجودی آفرینش خود پی ببرد و از پرداختن به کارهای عبث و بیهوده امتناع کند. امام خمینی، قوه عاقله انسان در کنار سایر انبیاء را، اقتضای رحمت الهی و عنایت خاص او دانسته و از آن‌ها به عنوان مربیان نوع بشر و دو بال صعود و تکامل آن‌ها به مراتب اعلا کرامت و سعادت حقیقی انسان یاد می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۳). در واقع، سعادت انسان در گرو کمال اوست؛ هرچه سیر صعودی انسان در مراتب وجود کامل‌تر باشد، سعادت‌مندتر است (ملاصدرا، ۱۴۱۹). در مقابل، تقلید و پیروی کورکورانه، منشأ تنزل و موجب محرومیت از سعادت است (همان، ۱۳۸۰).

حال، در تبیین این ملاک بر اساس کرامت انسانی باید گفت: خداوند، جهان و از جمله انسان را هدفمند خلق کرده و برای رسیدن به هدف غایی، تمام امکانات، توانایی‌ها و استعدادها را در اختیار بشر قرار داده و راهنمایی را جهت روشننگری ارسال کرده و برای تربیت این بشر مختار، سرمایه‌های زیادی را هزینه نموده است؛ حال، عقل اقتضاء می‌کند که انسان، از این سرمایه‌ها، استعدادها و قابلیت‌ها، حداکثر استفاده را نموده و به تعالی و کمال برسد (طیبی، ۱۳۹۰). زنان نیز، از این امر مستثنی نیستند؛ عقل اقتضاء می‌کند که هر عملی را که موجب خود ارزشمندی و کرامت انسان می‌شود و او را از اتلاف وقت در امور سطحی و کم‌ارزش باز می‌دارد و نیروهای درونی او را متمرکز برای رشد و تعالی می‌کند، پذیرفته و به آن ارج نهد و در مقابل، سرگرم شدن به امور عبث و بیهوده را رها کند.

۱- «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ»؛ (حدید، ۱۲)

۲- «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ...»؛ (تحریم، ۱۱)

۳- «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا...»؛ (تحریم، ۱۲)

۴-۵- تقوا و عمل صالح

بین کرامت و تقوا، رابطه مستقیم وجود دارد؛ چنانکه خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزگارترین شماست. تقوا، معیار کرامت انسانی است و هر که تقوایش بیشتر باشد، به همان اندازه بیشتر از گنجینه کرامات الهی برخوردار است. در واقع، تقوا دوری جستن از گناه است (جوادی آملی، ۱۳۸۳) که این مرتبه، در سایه ایمان و عمل صالح به دست می‌آید؛ بنابراین، اگرچه انسان‌ها دارا شئون و حیثیت برابر هستند؛ اما می‌توانند با به کار انداختن استعدادها، مراتب کمال انسانیت را طی نمایند و به مدارج عالی ارتقاء یابند و بر پایه این کرامت اکتسابی و اختیاری است که افراد نسبت به یکدیگر برتری می‌یابند که موجب منزلت و مقام برتر در پیشگاه با عظمت خداوند متعال خواهد شد (جعفری، ۱۳۷۰). بدیهی است زنان نیز همپای مردان می‌توانند به مراتب تقوا و رستگاری دست یابند.

حال، در تبیین این ملاک بر اساس کرامت انسانی باید گفت: یکی از مهم‌ترین مبانی وضع احکام شرعی، حفظ شرافت و کرامت انسانی است. اگر تبرج و خودنمایی و نمایاندن زیبایی‌ها، از نظر شرع اسلام حرام دانسته شده؛ در واقع همه این موارد، به یک اصل کلی اشاره دارد و آن اینکه هر رفتاری که باعث وهن و سبکی انسان شود و از ارزش انسانی او بکاهد، منافی با کرامت انسانی و از بین برنده عدالت انسانی (تقوا و مروّت) است. بر این اساس، روی آوردن به آرایش‌های نوپدید مانند کاشت ناخن و مژه، عمل‌های زیبایی و لاغری و ...، که موجبات تبرج و خودنمایی و به تبع آن لغزش و انحراف انسان‌ها را فراهم می‌کند، در تعارض با تقوا قرار می‌گیرد و شایسته کرامت انسانی نیست.

۴-۶- غایت خلقت بودن

یکی از شاخصه‌های کرامت انسان، غایت خلقت بودن است. انسان می‌تواند از اسفل مراتب خلقت گذر کند و پس از طی مراتب، با حرکت جوهریه به عالم مجردات و سپس به منزلگاه انسانیت برسد (موسوی خمینی، ۱۳۸۱). انسان، غایت آفریده‌های تکوینی و تشریعی است؛ لذا هر چیزی که او را از غایت بودن، به وسیله و ابزار بودن تنزل دهد، مغایر با کرامت انسانی است. حال، در تبیین این ملاک بر اساس کرامت انسانی باید گفت: حفظ شرافت و کرامت انسانی به این است که از ارتکاب هرگونه رفتاری که منافی شأن انسانی و مستلزم به سُخره گرفتن هدف غایی خلقت انسان است، پرهیز شود. بدیهی است سرگرم شدن به امور دنیوی و روی آوردن به آرایش‌های نوپدید مانند کاشت ناخن و مژه، عمل‌های زیبایی و لاغری و دست بردن در خلقت اولیه و ...، منافی شأن انسان و مستلزم به سُخره گرفتن هدف غایی خلقت انسان است و از آنجایی که در قرآن کریم^۱، به شدّت از سرگرم شدن به لذّات و سرگرمی‌های دنیوی نهی شده و مصداق پیروی از راه شیطان دانسته شده، پس این عمل (روی آوردن به آرایش‌های نوپدید)، در منافات با شرافت و کرامت انسانی قرار می‌گیرد و شایسته نیست انسان، عمر خود را به بطالت و بیهودگی بگذراند. بدیهی است این شرافت و کرامت، در سایه تقوا و پرهیزگاری به دست می‌آید و تا زمانی که انسان، در مسیر طاعت و بندگی خدا قرار دارد و به امور لهو و بیهوده (از جمله روی آوردن به آرایش‌های نوپدید) مشغول نگردد، از این کرامت انسانی و این جایگاه، برخوردار خواهد بود.

۴-۷- دلایل قائلین به منافات داشتن آرایش‌های نوپدید با کرامت انسانی زن

۱- «وَلَا ضَلَّاهُمْ وَلَا مَنِيْنَهُمْ وَلَا مَرْهَمَهُمْ فَلْيُبَيِّنَنَّ أَذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْهَمَهُمْ فَلْيُبَيِّنَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (نساء، ۱۱۹)؛ ترجمه: «و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهیم کرد و وادارشان می‌کنم تا گوشه‌های دامها را شکاف دهند و وادارشان می‌کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند؛ و [لی] هر کس، به جای خدا، شیطان را دوست [خدا] گیرد، قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است.»

هرچند که روی آوردن به آرایش‌های نوپدید مانند انواع کاشت ناخن‌ها، تاتوها (ابرو، بدن و ...) به صورت دائم و موقت، لیفت و لمینت مژه و ابرو، اکستنشن مژه و ...، نشئت گرفته از یک نیازی است که در زنان وجود دارد و آن حس زیبایی دوستی است؛ لیکن، از آنجایی که دشمن، از این نیاز سوءاستفاده کرده است و آن را در مسیر انحرافی قرار داده است و بسیاری از این آرایش‌ها، به دلیل اشکالات شرعی که بر آن وارد است، حرام یا مقدمه عمل حرام هستند؛ به دلایل ذیل، روی آوردن به این آرایش‌های نوپدید و افراطی، در تعارض با کرامت انسانی قرار می‌گیرد؛ ازجمله:

۴-۷-۱- آیات قرآن

در کنار همه آیاتی که به تجلیل از زنان قدیسه و پارسا پرداخته‌اند، آیات دیگری نیز وجود دارند که به زنان مسلمان امر می‌کنند از تبرج و خودآرایی بپرهیزند. ازجمله آیه «۳۳ سوره احزاب^۱»: «و مانند روزگار جاهلیت قدیم، زینت‌های خود را آشکار مکنید.» و آیه «۳۱ سوره نور^۲»: «و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانسان یا ... آشکار نکنند.» همچنین، آیه «۵۹ سوره احزاب^۳»: «ای پیامبر، به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند...» این امر از آن جهت است که: در نگرش قرآن، کمال آدمی، در گرو تزکیه، طهارت و آگاهی تحقق می‌یابد و عفاف در تحقق یکی از این سه آرمان که تزکیه باشد، نقش دارد (مهریزی، ۱۳۸۶). آنچه از دید قرآن، ناقض و شکننده عفاف زنان است، «تبرج» است (زیدان، ۱۴۱۳).

حال، روی آوردن زنان به آرایش‌های نوپدید و میل به تبرج و خودنمایی، آن‌ها را گرفتار جاهلیت مدرن- محروم بودن زن از حقوق زن بودن خود- می‌کند. به این صورت که: مهاجمان فرهنگی، با تبلیغات جهانی، برای رسیدن به امیال نفسانی خودشان و برای پر کردن جیب خود، از وجود زن، به عنوان یک ابزار سودجویی بهره می‌گیرند و او را به میدان فساد و تباهی می‌کشاند و با دادن شعارهایی مثل حقوق زن، آزادی زن، تساوی و برابری، او را به میدان می‌کشاند و تا زمانی که از طراوت و نشاط جوانی برخوردار است، از او بهره می‌جویند و بعد از مدتی، او را همچون شیء تاریخ مصرف گذشته طرد می‌نمایند (معین الاسلام و غلامی، ۱۳۸۸). واقعیتی که انکارناپذیر است، این است که غفلت زنان از کرامت و شرافت معنوی خود و سرگرم شدن به لهو و لعب دنیا- از جمله آرایش‌های نوپدید، زن را که می‌بایست درخشنده‌ترین ستاره افق زندگی و پر ارج ترین گوهر هستی و پایه و اساس هر فضیلت و حلقه اتصال و رمز تداوم نسل بشری باشد تا سرحد چراگاه‌های مردان هوسران و ابزار و ادوات تمایلات نفسانی آدم‌های پست تنزل داده و به وسیله اقدامات شوم فرصت‌طلبان، نیمی از پیکره جامعه که رمز بقای بشریت است، با افتادن در دام سودجویان مغرض، در معرض فساد قرار گرفته و تعداد فراوانی از زنان، کرامت و ارزش والای خود را از دست می‌دهند و با فساد خود، نیمی دیگر از پیکره جامعه را هم به سوی فساد و تباهی سوق می‌دهند؛ ضمن این که خود را تبدیل به یک شیء بی ارزش و قابل دسترس در هر کوچه و بازار می‌نمایند (معین الاسلام و غلامی، ۱۳۸۸). بدیهی است که این تفسیر از زن، با کرامت و منزلتی که اسلام برای زن مسلمان در نظر گرفته، منافی است.

۴-۷-۲- روایات

فراخوانی زن مسلمان به ارزش‌های اصیل دینی و فراهم نمودن تمهیدات لازم برای تقویت عملی و پرورش روح ایمان و تعهد وی، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت زن مسلمان دارد. چنانکه حضرت علی B می‌فرماید: «شخصیت انسان، در گرو باورهای اوست»

۱- «وَلَا تَبْرَجَنَّ تَبْرَجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى».

۲- «وَلْيُضْرِبَنَّ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...».

۳- «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ...».

(آمدی، ۱۳۶۶). لذا، آنچه در اسلام ارزش دارد، شخصیت وجودی و عظمت روح بلند انسان است و تن و نمای فیزیکی انسان، منزلت والایی ندارد (اسحاقی، ۱۳۸۷).

همچنین، پیامبر اکرم 0، در روایتی، عفت و پاک‌دامنی را زینت زنان دانسته و می‌فرماید: «الْعِفَافُ زِينَةُ النِّسَاءِ» (نهج‌الفصاحه، حدیث ۲۰۰۸) و در روایتی دیگر می‌فرمایند: «مَا زَانَ اللَّهُ عَبْدًا بِزِينَةٍ أَفْضَلَ مِنْ عِفَافٍ فِي دِينِهِ وَفَرَجِهِ» (نهج‌الفصاحه، حدیث ۲۶۰۰)؛ بهترین چیزی که خداوند، بنده‌اش را به آن زینت کرده، پاک‌دامنی در دین و دامن است. هم ایشان، در جای دیگر می‌فرمایند: بهترین زنان شما، کسانی هستند که در برابر همسرشان، تبرج (اظهار زینت) می‌کنند و در برابر مردان دیگر، حصان و عقیقه هستند (کلینی، ۱۳۸۸؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۴).

در تحلیل مطلب باید گفت: ابزار و روش شیطان، در مسیر اجرای مقاصد شوم خود- برای فریفتن زنان و غرق کردن آن‌ها در شهوات دنیوی- دو چیز است: اول: اغواء و فریب انسان، دوم: زینت اشیاء در نظر انسان. زن می‌بایست بیش از دیگران، مراقب باشد تا شیطان، به واسطه تبرج و تجمل، از حسن تنوع‌طلبی و زیبایی‌خواهی او، برای فریب و اغواء وی استفاده نکند (معین‌الاسلام و غلامی، ۱۳۸۸). دختران مُدگرا، باید بدانند که هدف استعمارگرایان از رواج مُدگرایی، اسارت فرهنگی و کشاندن جوانان به‌سوی ابتذال و پستی‌ها و تبدیل شخصیت آنان به عروسکی بی‌هویت و بی‌درد است (اکبری، ۱۳۸۱)؛ و این، همان ابتذال شخصیت و تنزل جایگاه زنان است که در تنافی با کرامت و منزلت زن قرار می‌گیرد.

۴-۷-۳- دلیل عقل

برخی از زنان که از ارزش‌هایی چون دانش و فضایل اخلاقی محروم هستند، با نمایش زیبایی‌ها و جاذبه‌های طبیعی زنانگی خود، به دنبال جلب‌توجه دیگران هستند و می‌کوشند کمبودهای کمالی خود را از این راه جبران کنند. غافل از این‌که خودنمایی، تنها توجه بیمارلان را به زن جلب می‌کند که خود، کمترین اعتباری ندارد؛ درنتیجه، به‌جای اعتباربخشی به خود، بیشتر از گذشته، از ارزش و اعتبار خود می‌کاهند (اسحاقی، ۱۳۸۷). حال، به دلایل زیر، روی آوردن به آرایش‌های نوپدید و درنتیجه تبرج و خودنمایی در جامعه، در تنافی با کرامت و منزلت زن قرار می‌گیرد:

اولاً- بی‌شک، عقل سالم، دفع ضرر احتمالی را مطلقاً واجب می‌داند؛ پس چنانچه شخص، در معرض ضرر قرار گرفت و از آن اجتناب نکرد و در پی آن، متصرّر شد، آن شخص، نزد عقلاء، مورد مذمت قرار می‌گیرد. به همین جهت، دفع ضرر احتمالی به‌خصوص ضرر اخروی واجب است و عقل به‌طور قطع، حکم به وجوب دفع آن ضرر می‌دهد (مصطفوی، ۱۳۹۰). حال، روی آوردن زنان به آرایش‌های نوپدید، از آنجایی‌که باعث سرگرم شدن انسان به امور بیهوده و عبث دنیوی می‌شود، عقلاً ضرر به شمار می‌آید که در دو بُعد ضرر دنیوی (ابتذال شخصیت زن و از بین رفتن کرامت و منزلت او) و ضرر اخروی (غفلت از فلسفه آفرینش و باز ماندن از سیر تکامل اخلاقی و معنوی) قابل تصور است؛ پس به حکم عقل، هر چه را که در تنافی با کرامت و ارزش وجودی زن قرار می‌گیرد باید ترک کرد.

ثانیاً- بر اساس حکم عقل، هر عملی که انسان را به فساد و تباهی می‌رساند، انجام مقدماتش هم غیرعقلانی است؛ چراکه اعمال ناشایست، مخالف ساختار وجودی انسان است. مهندسی و طراحی خلقت به‌گونه‌ای است که هر عملی باید از مجرای طبیعی خود صورت گیرد و اگر از مسیر دیگری باشد، در نظام وجودی انسان تأثیر منفی می‌گذارد. اگر زنان، به خودنمایی و خودآرایی در برابر بیگانگان- غیر همسر- پردازند، دچار سقوط روحی روانی - افسردگی و پوچ‌گرایی- می‌شوند (طیبی، ۱۳۹۰) و به‌جای پرداختن به امور مهمی همچون همسرمداری و تربیت فرزندان شایسته، تحصیل علم و طیّ کمالات معنوی، مشغول تبرج و خودنمایی و پرداختن به امور بیهوده می‌شوند. در چنین شرایطی، چگونه می‌توان از کرامت و منزلت زنان سخن گفت؟!

۵- بحث و نتیجه‌گیری

آنچه از بررسی آیات قرآن و روایات به دست می‌آید، این است که انسان (اعم از زن و مرد)، از شرافت و کرامت ذاتی برخوردار است و با به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت وجودی خویش، می‌تواند مسیر رشد و تکامل را پیماید و به کرامت اکتسابی - که ارزش نهایی و غایی انسان به شمار می‌رود- دست یابد. این کرامت، در سایه تقوا به دست می‌آید و عامل اصلی ارزش وجودی، شرافت و کرامت انسان محسوب می‌شود. مسیر تکامل برای همه (اعم از زن و مرد) فراهم است و علاوه بر تأکید آیات قرآن و روایات، عقل اقتضاء می‌کند که از پرداختن به اموری - همچون (آرایش‌های نوپدید)- که انسان را از دستیابی به کرامت اکتسابی باز می‌دارد، پرهیز شود. به نظر می‌رسد بتوان از موضوع «حفظ کرامت انسانی»، به‌قاعده «وجوب دفع ضرر محتمل» رسید؛ با این استدلال که هر آنچه را که خداوند متعال، برای انسان نهی کرده و مصداق محرمات قرار داده است، به خاطر وجود مفسده‌ای است که در آن چیز وجود دارد و کرامت انسانی اقتضاء می‌کند از اعمال هر نوع رفتاری که مضر به جسم و روح و شخصیت و شرافت انسانی است پرهیز شود؛ پس برخی از اعمالی که امروزه، نه از روی ضرورت، بلکه صرفاً به جهت سیطره تفکر مادی‌گرایی و دنیاطلبی در جوامع رواج پیدا کرده -از جمله عمل‌های زیبایی و لاغری و ...- به دلیل منافات داشتن با کرامت انسانی و استدلال به قاعده وجوب دفع ضرر محتمل - اعم از ضرر مادی و معنوی (دنیوی و اخروی)، جایز نیست؛ زیرا علاوه بر آسیب‌هایی که برای سلامت جسم زنان به دنبال دارد، سلامت روح و روان آنان را نیز به مخاطره می‌اندازد و باعث غفلت زنان از فلسفه آفرینش و سرگرم شدن به لذات دنیایی و بی‌توجهی به شرافت و کرامت انسانی می‌شود.

۶- منابع

۱- قرآن کریم

۲- نهج البلاغه

۳- ابن ابی‌المکرّم، عزالدین (۱۳۶۴). النهایه فی غریب الحدیث. قم: اسماعیلیان.

۴- ابن فارس، احمد (۱۳۸۲). معجم مقاییس اللغة. قم: الاعلام الاسلامی.

۵- ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۳۸۳). لسان العرب. قم: ادب الحوزه.

۶- ابوشقه، عبدالحلیم محمد (۱۳۹۸). تحریر المرأة فی عصر الرسالة. کویت: دارالقلم.

۷- اکبری، محمود (۱۳۸۱). برای ریحانه: رهنمودهایی برای دختران جوان. قم: گلستان ادب.

۸- آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). غررالحکم و درر الکلم. قم: تبلیغات اسلامی.

۹- البحرانی الاصفهانی، شیخ عبدالله؛ و الموحد الابطحی الاصفهانی، سید محمدباقر (۱۳۸۳). عوالم العلوم و المعارف و الاحوال. قم:

مدرسه الامام المهدی.

۱۰- الحسون، محمد و مشکور، ام‌علی (۱۳۹۹). اعلام النساء المؤمنات. تهران: اسوه.

۱۱- الجوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۸۵). الصحاح تاج اللغة. بیروت: دارالعلم للملایین.

۱۲- الكلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). الکافی. قم: دارالکتب الاسلامیه.

۱۳- المجلسی، محمدباقر (۱۳۷۴). بحار الانوار. تهران: اسلامیه.

۱۴- السلمی، ابو عبد الرحمن محمد بن حسین (۱۳۸۵). ذکر النسوة المتعبدات الصوفیات. تهران: علم.

۱۵- الطبرسی، امین الاسلام (۱۳۹۳). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی.

۱۶- الطبرسی، فضل بن الحسن (۱۳۹۶). تفسیر جامع الجوامع. قم: نشر اسلامی.

۱۷- الطباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۵). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی.

- ۱۸- الطوسی، محمد بن الحسن (۱۳۸۵). التبیان فی تفسیر القرآن، الاعلام الاسلامی.
- ۱۹- امینی، عبدالحسین (۱۳۶۳). فاطمه الزهرا B. تهران: امیرکبیر.
- ۲۰- اسحاقی، سیدحسین (۱۳۸۷). گوهر عفت. قم: تبلیغات اسلامی.
- ۲۱- تفتی، اکرم (۱۴۰۲). آرایش‌های نوپدید: پژوهشی فقهی در طهارت‌های سه‌گانه. قم: بوستان کتاب.
- ۲۲- جامی، عبدالرحمن بن احمد (۱۳۹۵). نفحات الانس. تهران: حوا.
- ۲۳- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۰). حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب. تهران: خدمات حقوق بین‌المللی.
- ۲۴- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۶). کرامت در قرآن. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- ۲۵- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). تفسیر موضوعی قرآن. قم: اسراء.
- ۲۶- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). ادب فنای مقربان. قم: صدرا.
- ۲۷- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). زن در آینه جلال و جمال. قم: اسراء.
- ۲۸- حسینی، سیدابراهیم (۱۳۹۳). منزلت و حقوق زن. تهران: کانون اندیشه جوان.
- ۲۹- حسینی دشتی، سیدمصطفی (۱۳۶۹). معارف و معاریف. قم: اسماعیلیان.
- ۳۰- حقی، اسماعیل بن مصطفی (۱۳۹۲). تفسیر روح البیان. بیروت: دارالفکر.
- ۳۱- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ و حکیمی، علی (۱۴۰۰). الحیاء. قم: انتشارات اسلامی.
- ۳۲- درنیکه، محمداحمد (۱۳۸۸). اعلام العابدات الزاهدات. بیروت: المؤسسه الجامعیه للدراسات.
- ۳۳- دینانی، غلامحسین (۱۳۸۳). جایگاه ملاصدرا در علوم عقلی. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- ۳۴- رجبی، محمود (۱۳۷۹). انسان‌شناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۳۵- رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۹۰). نگرش اسلامی به کرامت انسانی. معرفت حقوقی، ۱(۲)، ۱۱۳-۱۲۶.
- ۳۶- رشیدی، حسین (۱۳۸۵). حریم عفت: حجاب از دیدگاه آیات و روایات. قم: رازبان.
- ۳۷- رولان، رومن (۱۳۹۶). مهاتما گاندی ترجمه محمد قاضی. تهران: روزبهان.
- ۳۸- زیدان، عبدالکریم (۱۳۹۱). المفصل فی احکام المرأة. بیروت: الرسالة.
- ۳۹- سبجانی، جعفر (۱۳۴۵). فروغ ابدیت. قم: دارالتبلیغ اسلامی.
- ۴۰- سیاح، احمد (۱۳۷۸). فرهنگ بزرگ جامع نوین. ترجمه المنجد. تهران: اسلام.
- ۴۱- شیخ صدوق (۱۳۸۲). من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین.
- ۴۲- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
- ۴۳- طیبی، ناهید (۱۳۹۰). عطر عفت: نگرشی نو بر عفت و حجاب. قم: جامعه الزهرا B.
- ۴۴- علامه امینی، عبدالحسین (۱۳۶۳). فاطمه الزهرا B. تهران: امیرکبیر.
- ۴۵- عهد جدید بر اساس کتاب مقدس اورشلیم (۱۳۹۴). ترجمه پیروز سیار. تهران: نی.
- ۴۶- فراهیدی، خلیل (۱۳۸۸). کتاب العین. قم: دارالهجره.
- ۴۷- قیصری، داود بن محمد (۱۴۰۰). شرح قیصری بر فصوص الحکم. تهران: مولی.
- ۴۸- کتاب مقدس (۱۳۷۳). بیروت: دارالمشرق.
- ۴۹- گری، بنوات (۱۳۷۸). زنان از دید مردان. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: جامی.
- ۵۰- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۴). بحارالانوار. تهران: اسلامیه.

- ۵۱- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲). نظریه حقوقی اسلام: حقوق متقابل مردم و حکومت. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ع.
- ۵۲- مصطفوی، سیدکاظم (۱۳۹۰). قواعد فقه. تهران: میزان.
- ۵۳- مطهری، مرتضی (۱۳۵۳). مسئله حجاب. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۵۴- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- ۵۵- معین‌الاسلام، مریم؛ و غلامی، علی (۱۳۸۸). زن منتظر و منتظرپروری. قم: مؤلف.
- ۵۶- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۸). الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة. قم: مصطفوی.
- ۵۷- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۱). رساله سه اصل. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- ۵۸- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). تفسیر القرآن الکریم. بیروت: دارالتعارف.
- ۵۹- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۰). المبدأ و المعاد. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۶۰- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). صحیفه نور. تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- ۶۱- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳). چهل حدیث. قم: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- ۶۲- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۱). تفسیر سوره حمد. تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- ۶۳- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۳). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، تبیان (دفتر هشتم). تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- ۶۴- مهریزی، مهدی (۱۳۸۶). زن در اندیشه اسلامی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۶۵- نصری، عبدالله (۱۳۷۶). سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

Jurisprudential Considerations Regarding Modern Beauty Methods: Balancing Religious Rulings and Human Dignity

Zeynab Sanchooli^{1*}

1- Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, ZaH.c., Islamic Azad University, Zahedan, Iran. (Corresponding Author)

zsanchooli@iau.ac.ir

Abstract

One of the most significant dimensions of human existence is dignity and intrinsic worth. Human beings possess two types of dignity: inherent and acquired. The latter, acquired dignity, which is attained through faith and righteous deeds, serves as the foundation for achieving happiness and salvation. Undoubtedly, women's enjoyment of human dignity is rooted in fundamental principles, including the spiritual dimension of their personality, their role in shaping humanity, their capacity to pursue knowledge and achieve human virtues, their faculty of reason and intellect, and the ultimate purpose of their creation. This study, conducted using a descriptive-analytical method, has yielded the following findings: Although the desire for beauty and variety is an innate inclination in human nature—manifested in women as an embodiment of beauty and grace bestowed upon them at creation—if this inclination is not channeled appropriately and leads to an excessive focus on emerging beauty practices, ultimately resulting in ostentation and self-display, it produces nothing but the degradation of a woman's character, neglect of the purpose of creation, and hindrance of moral and spiritual growth. Such outcomes stand in contradiction to the dignity and status of women. Based on the rational principle that "preventing potential harm is obligatory," these practices must be avoided.

Keywords: Jurisprudential considerations, women, modern beauty methods, religious rulings, human dignity.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)